



اشاره:

مطلبی که ذیلاً ملاحظه می‌کنید، قسمت دوم بحث اجمالی راجع به برنامه ریزی مکانی رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی نوار ساحلی - از بندر کنگ تا بندر دیر - میباشد که در ارتباط با «منابع تولیدی و اقتصادی منطقه»، «منابع و ذخایر آبزیان»، «ویژگیها و مرکزیت مکانهای نوار ساحلی» و... توضیحاتی را ارائه نموده است. اشاره می‌شود که «منابع تولیدی و اقتصادی منطقه» در دو بخش:

منابع تولیدی منطقه در خشکی و صید و مشاغل دریایی مورد بحث قرار گرفته و در مورد «ویژگیها و مرکزیت مکانهای نوار ساحلی» به عوامل مؤثر در مکانیابی بنادر صیادی اشاره گردیده است.

۳- منابع تولیدی و اقتصادی منطقه

نوار ساحلی در مجموع از حیث منابع غنی است و زمینه بهره‌برداری مساعد دارد. این بدان سبب است که طبیعت این منطقه، مانند همه سواحل جهان، دو بعدی است و از هر دو گونه منابع تولیدی خشکی و دریا بهره‌مند است. بهمین سبب منابع طبیعی منطقه را در دو بخش خشکی و دریا باید بررسی کرد.

(۳-۱) - منابع تولیدی منطقه در خشکی - منطقه مورد مطالعه، در طول حدود ۴۰۰ کیلومتر

نوار ساحلی، در حد شمالی به قسمت وسیعی از اراضی جنوبی استانهای هرمزگان و بوشهر محدود است که تا کوهپایه‌های ارتفاعات زاگرس در قسمت جنوب شرقی آن ادامه دارد. در این محدوده وسیع بعضی از امکانات طبیعی زیرزمینی و زمینه‌های تولیدی سطحی موجود است که اغلب بکر و دست نخورده است و برای بهره‌برداری و تولید محلی محل فعالیت دارد.

اراضی این منطقه سالها بحال خود رها شده و بهمین سبب زراعت و کشاورزی ساحلی رونقی ندارد. کمبود آب در این محدوده عامل قابل تأملی است و همین کمبود هم احياناً بی‌توجهی نسبت به زمین و عدم کوشش برای آماده کردن اراضی را موجب گردیده است. تأمین نسبی آب زراعتی، بهر طریق ممکن آن، حتی در مقیاس روندهای سنتی محل و از طریق افزایش فعالیتهای جاری آبرسانی زمینه مساعدتر محلی برای کشت و زرع فراهم می‌آورد. در هر قسمت از این محدوده که آب کافی تأمین شود، بهره‌برداری از زمین و کوششهایی در جهت آماده کردن اراضی برای کشت و زرع محلی، اهمیت قابل ملاحظه نشان می‌دهد. با اینکه منطقه مورد مطالعه را یک بخش

● بر اساس آخرین بررسیهای انجام شده طی سالهای ۵۵ تا ۵۸، حجم ذخایر خلیج فارس در انواع گروههای سطحی و کفزی بالغ بر ۴۹۸۶۱۰ تن برآورد شده که بر مبنای وسعت آبهای ایران در خلیج فارس، از این مقدار در حدود ۹ تا ۱۰ درصد ذخایر و منابع آبهای ایران منظور می‌شود.

مستعد کشاورزی و زراعت وسیع نمی‌توان تلقی کرد، به این واقعیت باید توجه داشت که طبیعت محل در ارتباط با خشکی از نوع روستائی است و زمین در فعالیتهای تولیدی باید نقش مؤثر داشته باشد. مضافاً منطقه در بسیاری ابعاد تولیدی کشت و زراعت باید بصورت نسبی خود کفا باشد و این به توسعه فعالیتهای در بخش کشاورزی و زراعت بستگی دارد. با چنین نیاز آشکار، اراضی وسیع نوار ساحلی را در ارتباط با تولید زراعت و کشاورزی نادیده نباید گرفت و بی شک کوششی

برای احیای زمین و بهره‌برداری از امکانات موجود به فراخور استعداد منطقه ضرورت دارد.

منطقه دارای پوشش گیاهی عناصر استوایی و نیمه استوایی است، براین اساس درختانی مانند کهور از عناصر استوایی آسیا در این منطقه زیاد دیده می‌شود. پوشش گیاهی سواحل جنوب در طول سال دو سیمای نسبتاً متفاوت نشان می‌دهد که با رستنی‌های دائمی درختی و درختچه‌ای و نیز بارستنی‌های گیاهی یک ساله مشخص می‌شوند. رستنی‌های یک ساله از اوایل دیماه با شروع بارندگی ظاهر شده و تا اواخر اردیبهشت رشد می‌کنند. این گیاهان تقریباً تمام سطح خاک و تپه‌های شنی و ماسه‌های ساحلی را می‌پوشاند که از نظر تهیه علوفه، چرای دام و برای مصارف طبی و صنعتی قابلیت بهره‌برداری کافی دارند.

رستنی‌های دائمی منطقه، شامل گیاهان چند ساله، درختچه‌ها و درختان، بصورت پراکنده یا مجتمع رشد می‌کنند. مشخص‌ترین این گونه رستنی‌ها، حرا در ناحیه خلیج «نای‌بند» بین عسلویه و هاله، گزو گونه‌های مشابه آن، نخل، کهور، گنار، آکاسیا در شمال بندر لنگه و درختچه‌های ساحلی در سرتاسر منطقه از دماغه «نای‌بند» تا بندر مقام می‌باشند که بهره‌برداری از آنها در انواع صنایع چوب یا فعالیتهای ساختمانی محلی درخور توجه است.

درختان میوه از جمله: خرما، لیموشیرین و ترش، موز، انارترش و کنار در این منطقه زمینه رشد دارند که در صورت انتخاب نوع بهتر و تولید انواع مرغوبتر جنبه تولیدی و اقتصادی می‌توانند داشته باشند.

در بخش زراعت سالانه، در صورت تأمین آب کافی با رونق فعالیت‌های زراعی، همه ساله می‌توان به تولید نسبی دست یافت، بخصوص آنکه زمینه صدور این تولیدات به کشورهای جنوب خلیج فارس مساعد است و در صورتی که تولید کافی باشد بازار عرضه در دسترس است.

علاوه بر جنبه‌های تولید اقتصادی، نقش و مورد استفاده بودن درختان و درختچه‌های محیط‌های خشک از لحاظ تشکیل پوشش گیاهی حافظ آب و خاک، ایجاد شرایط مساعد اقلیمی جهت مقاصد کشاورزی، دامپروری و حیات وحش و بوجود آوردن محیط زیست بهتر، سالم‌تر و مطلوب‌تر برای انسان درخور توجه است و بنابراین

پوشش گیاهی سواحل جنوب را بعنوان منابع مهم رشد و توسعه تولید محلی از نظر نمی‌توان دور داشت.

در منطقه مورد مطالعه، از انواع درختان گز، کرت، کهور و گنار، چوب و سوخت و از شاخ و برگ و میوه‌های کهور، کنار، خدنگ، پور، آکاسیا و... علوفه می‌توان تهیه کرد. لذا اقدام در جهت توسعه و افزایش مزارع و قلمستانها و مراقبت از آنچه موجود است زمینه تولیدی و اقتصادی قابل ملاحظه نشان می‌دهد.

در بررسی‌های محلی بالغ بر سیزده نوع درختانی شناسائی شده‌اند که در مناطق ساحلی جنوب، شرایط مساعد و مطلوب کشت و رشد آنها وجود دارد و از چوب و دیگر تولیداتشان در مصارف ساختمان، صنایع چوب، دیگر صنایع بصورت قابل ملاحظه می‌توان سود برد. در همین بحث به انواع گیاهان خانواده گندمیان و نخودیان و ارزش علوفه‌ای و مرتعی آنها اشاره شده است که تعداد آنها را بالغ بر ۶۶ نوع از گندمیان و ۳۴ نوع از نخودیان فهرست کرده‌اند.

ایجاد فضای سبز از طریق درخت کاری، در این منطقه دارای اهمیتی به سزاست. درخت کاری هم از حیث سلامت محیط زیست و طراوت هوا و هم از جهت بهره‌برداری اقتصادی و تولیدی درخور توجه است. بر اساس بررسی‌های تخصصی سواحل جنوب برای این منظور زمینه مساعد دارد و انواع درختان و درختچه‌هایی شناسائی شده‌اند که سازگاری آنها با آب و هوای گرم و خشک خوب است و برای ایجاد باغ و قلمستان و جنگل کاری مناسب هستند. از این درختان در شهرسازی نیز برای آرایش پارکها، میدانهای عمومی و کناره و حاشیه خیابانها و داخل واحدهای مسکونی نیز می‌توان استفاده کرد. از طریق درختکاری در محل‌های مناسب در جهت کنترل باد و طوفان و بارانهای تند و سیلابها نیز می‌توان استفاده کرد. در بررسی پوشش گیاهی منطقه بالغ بر ۲۲ رده از انواع درختها و درختچه‌ها شناسائی شده‌اند که بهره‌برداری از آنها در شرایط محلی این منطقه امکان‌پذیر است. از این گونه ۲۶ درخت و ۱۳ درختچه به نام معرفی شده‌اند که در نوار ساحلی خوب رشد می‌کنند.

دامپروری و دامداری - پرورش طیور -

در استانهای ساحلی و به تبع آن در نوار ساحلی با مقیاس بسیار ناچیز و در داخل خانه‌ها و با مساعی خانواده نگهداری احشام و طیور معمول است؛ اما بهره‌برداری جنبه اقتصادی قابل توجه ندارد. هر چند هر خانواده قسمت قابل ملاحظه از تولیدات لبنی و مرغی و گوشت را برای فروش عرضه می‌کند، اما این کوشش جنبی در قالب اقتصاد محلی دارای نقش چندان مهمی نیست. در نوار ساحلی هیچ موسسه اقتصادی و تولیدی دامداری و مرغداری وجود ندارد. این کیفیت از کمبود امکانات، زیانهای سالانه از طریق تلفات دام و طیور، پایین بودن کیفیت دامپروری و پرورش طیور نتیجه می‌شود. در صورتی که با برنامه‌ریزی دقیق در این بخش پویائی و رونق کافی می‌توان فراهم کرد. این نتیجه‌گیری را دو عامل اساسی به خوبی توجیه می‌کند. در این منطقه در صورت توجه به کشت علوفه و ایجاد مراتع و مراقبت از پوشش گیاهی زمینه ایجاد و اداره مؤسسات تولیدی وسیع فراهم است، مضافاً موقعیت ساحلی و مرزی استانهای جنوب از حیث

● در محدوده مورد مطالعه، آبهای نوار ساحلی کنگ تادیر، مجموع ذخایر سطح زی کوچک ۱۷۰۰۰۰ تن و سطح زی بزرگ ۱۵۶۰۰ تن و در مجموع ماهیان سطح زی حدود ۱۸۵۶۰۰ تن برآورد شده است. حجم ممکن بهره‌برداری به مأخذ ۵۰ درصد ذخایر سطح زی کوچک و ۲۵ درصد ذخایر بزرگ در حدود ۸۸۰۰۰ تن تخمین زده می‌شود.

همجواری با کشورهای جنوب خلیج فارس که بازارهای پر رونق مصرف را عرضه می‌دارند درخور توجه است. لذا این فعالیتها در نوار ساحلی می‌تواند جنبه اقتصادی قوی داشته باشد و تولیدات محلی مرغوب برای صدور به سهولت عرضه شود. برای دست زدن به چنین برنامه‌ای اولاً باید سعی در فراهم کردن زمینه‌های تولیدی در تهیه علوفه، آب، توسعه و بهبود چراگاهها و... کرد ثانیاً با مراقبت‌های بهداشتی و فنی از طریق اشاعه روشهای سالم‌تر و بهتر و صنعتی کردن تولید،

زیانها و خسارتهای سالانه را در این بخشها مهار باید کرد.

صنایع و معادن — درنوار ساحلی مورد مطالعه، مانند دیگر نقاط استانهای جنوبی صنعت نقش اقتصادی چندانی ندارد و این به دو علت اساسی باز می‌گردد: نخست آنکه منابع و ذخایر اراضی و معادن تقریباً دست نخورده باقی مانده و به سبب عدم کوشش در استخراج و بهره‌برداری از معادن، مساله تبدیل مواد که خمیرمایه فعالیت‌های صنعتی است، در این محل جایی ندارد. زمین غنی سواحل جز درموارد معدود و محدود بهره‌برداری از معادن آهک و گچ و منابع ماسه و شن، بکرو بحالت خود رها شده و زمینه تولید صنعتی را ضعیف کرده است. کما آنکه در بخش تولید آهک و گچ و سنگ و دیگر مصالح ساختمانی که مختصر فعالیت دیده می‌شود و صنعت ساختمان را در مقایسه با دیگر بخشهای صنعتی تقویت کرده است، اثر متقابل توسعه صنایع ساختمان و بهره‌برداری از منابع زمینی مربوط به تولید مصالح ساختمانی را در محل آشکارا می‌توان دید. دومین علت کم رونقی صنعت را در این منطقه در عدم سرمایه‌گذاری در بخش صنایع باید دید. مؤسسات صنعتی و تولیدی، تاسیس شده، و نیروی انسانی جویای کار به مهاجرت و خارج شدن از زمره فعالان اقتصادی محل روی آورده است. در این منطقه در بخش تولیدات صنعتی مختصر کوششی در تهیه گلیم و جاجیم و مصنوعات دستی از این

نوع دیده می‌شود. که باید در جهت تقویت آن هم از حیث دسترسی اهالی بمواد اولیه و هم از لحاظ بهبود تکنیک کار و تهیه جنس مرغوبتر و تسهیل شرایط عرضه و صدور تولیدات اقدام کرد. استفاده از ذخایر و منابع ارضی موجود از طریق استخراج تدریجی و حساب شده با ملاحظات اقتصادی لازم، می‌تواند در توسعه و رشد صنایع محلی و افزایش سطح اشتغال و درآمد مؤثر باشد. مضافاً این فعالیتها در رونق بخش خدمات نیز مؤثر است و بهره‌برداری از زمین و معادن، مشاغل جدید فراهم می‌آورد و پویایی و تحرک اقتصادی محلی را می‌افزاید.

(۲-۳) — صید و مشاغل دریائی — نوار ساحلی با همه امکانات زمین، در مرز جنوبی با دریا ارتباط دارد و دریا از حیث منابع و ذخایر و نیز از جهت انواع مشاغل مربوط به صید، حمل و نقل، نگهداری و احداث مراکز پرورش ماهی، و صنایع شیلاتی، عرصه مهم تلاش و فعالیت تولیدی و اقتصادی است. ذخایر دریائی از لحاظ ارزش در چنان مقامی جای دارند که به تنهایی در مقابل همه امکانات خشکی قرار می‌گیرند و بهمین سبب در فصل خاص این گزارش به حجم و وسعت و کیفیت آنها باید رسید. ماهیگیری و بهره‌برداری از ذخایر دریائی، ابعاد متعدد و وسیع دارد و به ضرورت‌هایی وابسته است که تأمین آنها خود جنبه اقتصادی دارد و از لحاظ اشتغال و انواع مشاغل در خور توجه است. تبدیل و عرضه صید،

میدان وسیع فعالیت اقتصادی را در انواع مختلف فراهم می‌کنند. بدین سبب ذخایر دریائی و بهره‌برداری از این ذخایر به عنوان یک بخش بسیار مهم تولیدی و اقتصادی دریا جلوه می‌کند.

ارتباطات دریائی و حمل و نقل در انواع روابط تجاری، اجتماعی، سیاسی با خارج از کشور، از جهات اقتصادی در یک بخش مهم تولید قرار می‌گیرد. صنایع مربوط به ساخت و تعمیر شناورها و ادوات صید و خرید و فروش انواع مواد اولیه مورد نیاز در بخشهای مختلف مشاغل دریائی می‌تواند بعنوان رشته اساسی تولید و اقتصاد نوار ساحلی مورد توجه باشد. در هر یک از این زمینه‌ها، ضعف و کمبودها را باید شناخت و علت‌های محدود کننده را باید مرتفع کرد و در این صورت هر یک از فعالیتها بصورت یک عامل اساسی رشد و توسعه محلی ظاهر می‌شود و رونق اقتصادی و اجتماعی را فراهم خواهد کرد.

— خط ساحلی، از نظر تکامل و تحولات تدریجی کناره دریا هنوز در مرحله جوانی و ابتدائی است. زیرا که سواحل منطقه دارای تضاریس و پیچ و خمهای زیادی است و در آن دماغه‌ها و خلیج‌های کوچک متعدد دیده می‌شود. دماغه‌ها هنوز تخریب نشده‌اند و پلاژهای ماسه‌ای ایجاد شده در فرورفتگی‌های ساحل کاملاً باز هستند و در معرض امواج دریا قرار دارند. — رسوباتی که در حال حاضر، در نوار ساحلی و روی پلاژها گذاشته می‌شوند، عمدتاً از پوسته‌ها



و صدفها و اسكلت آهكى موجودات زنده دريائى متشكل مى باشند كه آنها را رسوبات بيوكلاستيك يا بيودترتيك مى گويند كه بخش آهكى آنها درصد بالائى دارد.

— در مناطق عميق آبهاى منطقه، جهت انتقال رسوبها، از شمال غربى به سوى جنوب شرقى است. نوع رسوبها در نواحى عميق منطقه، مارنهای رسي همراه با مقدار كمى ذرات دانه درشت است، سرعت رسوب گذارى در بخشهاى عميق منطقه ۰/۵ تا ۲ سانتى متر در هزار سال و در نيمه شرقى بين ۱ تا ۱۰ سانتى متر در هزار سال برآورده مى شود.

— از نظر مورفولوژى سواحل غربى خليج فارس پست و غيركوهستانى و خطى و از جلگه هاى دريائى كه نوع رسوبات آنها منشاء دريائى دارند متشكل است. سواحل ايران كوهستانى و با تضاريس زياد است.

— از نظر ساختمانى، سواحل ايرانى خليج فارس يك منطقه فشرده گى فعال است. اين فشرده گى به سبب نيروى عظيمى است كه در اثر كوهزائى زاگرس به طرف خليج فارس اعمال مى شود ولى با سرزمينهاى ثابت و قديمى تر عربستان مصادف است كه خود با نيروئى عظيم تر ولى بطنى بطرف سواحل ايران پيش مى آيد.

— از نظر نوع آب و هوا در گذشته، بطور كلى خشك با اثراتى از آب و هواى معتدل است.

۴ — منابع و ذخاير آبزيان

در مورد وسعت منابع و حجم ذخاير آبزيان خليج فارس و دريائى عمان سابقه بررسى و تخمين بسيار ناچيز است. سابقه پاره اى بررسيها از سال ۱۳۱۶ و بعداً وسيله سازمان خواربار و كشاورزى جهانى وجود دارد كه اطلاعات مندرج در اين گزارش از آن منابع گرفته شده است.

منابع دريائى خليج فارس را در بخش آبزيان در گروههاى كف زى، سطح زى و ميگوبررسى مى كنند.

(۱ — ۴) — ذخاير كف زى

آخرين بررسى در مورد ذخاير كف زى خليج فارس و دريائى عمان از آبان ۱۳۵۵ تا دى ماه ۱۳۵۸ انجام شد. در اين بررسى منطقه مورد مطالعه به سه ناحيه تقسيم شد كه نواحى ۱ و ۲ در خليج فارس و ناحيه ۳ كلاً دريائى عمان را در بر مى گرفت.

بر اساس اين بررسى حجم ذخاير خليج فارس در انواع گروههاى سطح زى و كف زى بالغ بر ۴۹۸۶۱۰ تن برآورد شده كه در حدود ۱۵ درصد آن سطح زى و ۸۵ درصد كف زيان بوده اند. بر مبنائى وسعت آبهاى ايران در خليج فارس از اين مقدار در حدود ۹ تا ده درصد، ذخاير و منابع آبهاى ايران منظور مى شود. بر اين اساس حجم ذخاير و منابع آبهاى ايران در خليج فارس در نوار ساحلى كنگ تا دير بالغ بر ۴۵۳۲۸ تن برآورد مى شود كه ذخاير سطح زى آن ۶۷۰۶ تن و مابقى از ديگر

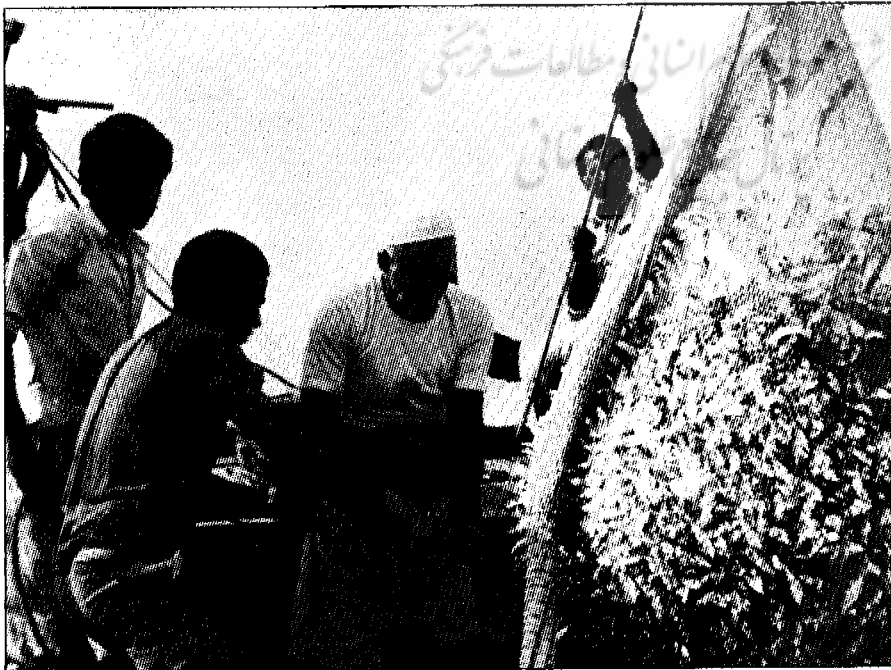
گروهها است.

ارقام مزبور از لحاظ نوع ماهى، گروههاى تجارى (ماكول)، گروههاى غير تجارى (غير ماکول) و سطح زيان ضمنى را در بر مى گيرد. در برداشت تكميلى حجم ذخاير آبزيان در همه گروهها ۵۸۸۸۷ تن در محدوده بندر كنگ تا دير برآورد شده كه از اين مقدار ۳۹۶۶۷ تن (۶/۸ درصد) سطح زى و ۵۴۹۲۰ تن (۹۳/۲ درصد) از انواع كف زى بوده است. از مجموع ذخاير كف زى بالغ بر ۳۹۲۱۲ تن (معادل ۷۱/۴ درصد) ماکول و تجارى و ۱۵۷۰۸ تن غير ماکول بوده است.

در اين بررسى كف زيان ماکول از «دم ريش ماهيان»، «بزماهيان»، «آرين»، «سنگسر»، «شهري»، «كوسه»، «سرخو» و «هامور» تركيب مى شود كه بيشترين حجم ذخاير مورد بررسى در درجه اول بزماهيان (۸۴۱۳ تن) و پس از آنها دم ريش ماهيان با ۴۷۵۱ تن ذخاير در درجه دوم قرار دارند.

مهمترين انواع از گروه كف زيان غير تجارى پنج زار ماهيان — فوركوبا حجم ۵۶۳۶ تن و پس از آنها از «كريشو» و «گربه» ماهيان نام برده شده است.

نكته اساسى آنكه از حجم ۳۹۲۱۲ تن ذخاير كف زى ماکول بالغ بر ۲۰۲۲۷ تن از انواع متفرقه و از ۱۵۷۰۸ تن كف زيان غير ماکول در حدود ۳۰۳۴ از انواع ديگر بوده است.



بهره برداری از منابع و ذخایر سطح زی دریائی از اهمیت بسیار بهره مند است. برآورد حجم ذخایر سطح زی درآبهای خلیج فارس و دریای عمان از طریق نمونه برداری در سه مرحله اجرایی در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ بعمل آمد. اما نتایج حاصله از سه پوشش کلی آزمایشی بسیار متفاوت بوده است. برای تخمین حجم ذخایر موجود با ملاحظه آنکه نمونه برداری دوبار در فصل گرم و یکبار در فصل سرد انجام شده بود، با در نظر گرفتن میانگین نمونه برداریهای فصل گرم و مقایسه آن نتیجه با حاصل نمونه برداری فصل سرد، تخمینی از حجم ذخایر این رده ماهیها در مجموع در سطح زیان کوچک حدود ۴۰۰۰۰ تن و در انواع سطح زی بزرگ حدود ۴۰۰۰ تن و در میکتوفیده متجاوز از ۱/۵ میلیون تن در سال برآورد شد.

ذخایر سطح زی کوچک محدوده ۱۲ مایلی ساحلی بندرکنگ تا دیر براساس همین بررسی مجموعاً حدود ۱۷۰۰۰۰ تن برآورد شد. که از آن، به مقیاس ۵۰ درصد، در حدود ۸۴۰۰۰ تن قابل بهره برداری است. مهمترین انواع این ذخایر را ساردین، آنشوا و مقوا کوچک به مقیاس ۴۲ و ۵۱ و ۷ درصد کل حجم ذخایر برآورد کرده اند.

ذخایر سطح زی بزرگ حوزه کنگ تا دیر در حدود ۱۵۶۰۰ تن و امکان بهره برداری سالانه به مأخذ تقریباً ۲۵ درصد حجم ذخایر در حدود ۴۰۰۰ تن برآورد می شود. توزیع ذخایر در انواع مقوا ماهیان، شیر ماهیان، کوسه و غیره به ترتیب ۸۰۰۰ و ۴۶۰۰ و ۳۰۰۰ تن می باشد.

براساس این بررسیها مجموع ذخایر کل آبهای ایران از سطح زیان بزرگ حدود ۶۸۰۰۰ تن و امکان بهره برداری ۱۷۰۰۰ تن برآورد می شود.

با این ترتیب، در محدوده مورد مطالعه، آبهای نوار ساحلی کنگ تا دیر، مجموع ذخایر سطح زی کوچک ۱۷۰۰۰۰ تن و سطح زی بزرگ ۱۵۶۰۰ تن و در مجموع ماهیان سطح زی حدود ۱۸۵۶۰۰ تن برآورد شده است. حجم ممکن بهره برداری به مأخذ ۵۰ درصد ذخایر سطح زی کوچک و ۲۵ درصد ذخایر بزرگ در حدود ۸۸۰۰ تن تخمین زده می شود. با توجه به اینکه همه گروههای سطح زی، باستثناء کوسه ماهیان ماکول می باشند، ۸۸۰۰۰ تن سطح استحصال سالانه قابل ملاحظه است و رویهمرفته گروههای سطح زی در رابطه با

مصرف ماهی در کل کشور اهمیت قابل ملاحظه دارند.

(۳ - ۴) - ذخایر میگو

در این گزارش برای آشنائی با ذخایر میگو از گزارش مرکز تحقیقات و توسعه ماهیگیری خلیج فارس (بوشهر) تحت عنوان بررسی و تجزیه و تحلیل آمار تولیدات شیلات استان بوشهر از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۰ استفاده شده است.

میگو یکی از ذخایر مهم دریائی است. میگو از تیره سخت پوستان است و در آبهای ساحلی در کف دریا بصورت گروهی یافت می شود. براساس بررسیهای تخصصی تا کنون ۱۶۲ گونه میگوی تجاری در آبهای جهان شناخته شده که پنج گونه از آنها از آبهای خلیج فارس صید می شود. از این انواع، میگوی صورتی مرغوبیت تجاری بیشتر دارد.

فصل فراوانی میگو و موقعیت محلی منابع در خلیج فارس از ۶ صیدگاه محلی انواع میگو بدست می آید که مهمترین آنها، تنگه هرمز، بوشهر، دیر و بحرگان از آبهای ایران است. بهترین شرایط صید میگو عمق ۱۵ تا ۳۰ متری در کف گل آلود دریا و در فصل تابستان است.

فراوانی نسبی صید میگو در منطقه بحرگان از تیرماه تا آبان، در بوشهر از مرداد تا مهر و در دیر از شهریور تا مهرماه است.

میزان کل میگوی قابل صید در خلیج فارس در یک فصل صید حدود ۴۰۰۰ تن و با توجه به اینکه سطح آبهای ایران برای این منظور در حدود نصف مجموع سطح آبهای صید میگو در خلیج فارس است، می توان گفت که حجم کل بهره برداری میگوی ایران از آبهای خلیج فارس در حدود ۲۰۰۰ تن در سال می باشد. مقدار میگوی قابل صید در محدوده مورد مطالعه (اکثراً در دیر و کنگان) حدود ۲۵۰ تن در سال تخمین زده می شود.

۵ - ویژگیها و مرکزیت مکانهای نوار ساحلی

مساله مکانیابی ساحلی به شناخت عوامل مؤثر در شکل گیری بنادر بستگی دارد. این شناخت به تحقیق و بررسی نیاز دارد که جزئی از آن قسمت سازه های خط ساحلی و بررسی مسائل مهم در محل تقاطع و اتصال دریا و خشکی است. نکته مهم آنکه بدلیل پیشرفت تکنولوژی صنعت ساختمان و تکمیل وسایل و امکانات و مصالح کار، تسهیلاتی جدید در ایجاد تأسیسات و

ضرورتهای بندری می توان متصور بود. در عین حال باید توجه داشت که علیرغم توانائی ایجاد هراسختمان و تأسیسات در هر مکان، در صورت عدم تطبیق شرایط با عوامل طبیعی و جغرافیائی منطقه و محل، حجم هزینه و مصرف مصالح و انرژی افزایش حاصل می کند و چه بسا که اصل هدف را با دشواری مواجه سازد. این کیفیت در ایجاد تأسیسات بندری که معمولاً پرهزینه است بیشتر پیش می آید، لذا در امر مکانیابی بنادر، تطبیق وضع با عوامل مؤثر محیطی قطعاً باید ملحوظ باشد و این شناخت عوامل مذکور را اجاب می کند.

این ضرورت در رابطه با مکانیابی بنادر صیادی بصورت مشخص تر و بارزتر جلب توجه می کند. بنادر صیادی در مقایسه با دیگر انواع بنادر (تجاری - نفتی) بازده اقتصادی کمتری دارند و گاهی اصولاً به ملاحظات دیگر غیر از بازگشت سرمایه و بازده اقتصادی، مورد توجه قرار می گیرد و در احداث آنها اهتمام می شود. لذا حجم سرمایه گذاری مناسب اولیه، همچنین میزان اعتبارات جهت نگهداری بعدی در این قسمت اهمیت آشکار دارد.

با این ملاحظات در مکانیابی بنادر صیادی جنوب عوامل مؤثر بشرح زیر مورد توجه قرار گرفته اند:

- داشتن حفاظ مناسب در مقابل عوامل طبیعی دریا مانند موجهای اصلی و مخرب.

- مناسب بودن عمق آب.

- مناسب بودن وضع زمین مجاور چه از جهت وسعت کافی جهت ایجاد و رشد شهری و چه از حیث کیفیت ارتفاعات و شیب و ارتفاع از سطح دریا.

- نزدیکی با منابع و مراکز تولید و پخش مصالح ساختمانی و تأسیسات و نیروی انسانی.

- وضعیت اقلیم دریائی مناسب چه از نظر ایجاد امکانات شغلی چه از لحاظ شرایط زیست.

- مناسب بودن وضع حرکت آبها و جریانهای دریائی و تغییر شکل کف و حرکت رسوبات در دو جهت دریا به خشکی و بالعکس.

- مناسب بودن وضع کناره از حیث زلزله و نکانهای سطح ارضی.

از مجموع ملاحظات حاصل از بررسیهای محلی و با توجه به سوابق موجود، در محدوده مورد نظر از سواحل جنوب بین بندرهای کنگ و دیر،

● در این منطقه در صورت توجه به کشت علوفه و ایجاد مرتع و مراقبت از پوشش گیاهی زمینه ایجاد و اداره مؤسسات تولیدی وسیع فراهم است، مضافاً موقعیت ساحلی و مرزی استانهای جنوب از حیث همجواری با کشورهای جنوب خلیج فارس که بازارهای پر رونق مصرف را عرضه می‌دارند درخور توجه است.

حقیقت معمولاً در قسمتی از دریا در مجاورت آبادیها قرار دارند و اغلب بصورت فصلی و در مقیاس کوچک محلی مورد استفاده اهالی قرار می‌گیرند. صیدگاههای منطقه‌ای از نظر موقعیت، شرایط صید و منابع اهمیت بیشتر دارند و در تمام سال بعنوان محل مراجعه صیادان حرفه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند و صیادان محدوده معین ساحلی اصولاً به قصد صید به این مراکز مراجعه می‌کنند.

بهره‌برداری و مراجعه صیادان از اهمیت خاص خود بهره‌مند است. مهمترین صیدگاههای این محدوده را بشرح زیر می‌توان نام برد:

صیدگاههای محلی را در مجاورت اکثر آبادیهای ساحلی نوار مورد مطالعه می‌توان شناسائی کرد. نهایت آنکه برحسب وسعت، جمعیت، تعداد صیادان بندر، وسعت فعالیتهای صید در محل، سواحل مجاور آبادیها بعنوان صیدگاه ممکن است از اهمیت خاص بهره‌مند باشد یا به فعالیت محدود معدودی صیادان خلاصه شود.

در آن قسمت که بعنوان صیدگاه منطقه‌ای از مراکز صید بتوان یاد کرد، از شرق به غرب نوار مورد مطالعه اطراف جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی، سیری، فرود، کیش، هندورابی، لاوان در تمام اوقات سال مورد مراجعه صیادان گروهی سواحل جنوب می‌باشند و صیدگاههای منطقه‌ای بشمار می‌آیند. مضافاً در همین خط ساحلی در آبهای اطراف بنادر کنگ، شناس، بستانه، مغویه، گرز، چیرویه، نخیلو، زیارت، هاله، کنگان و دیر فعالیتهای صید و ماهیگیری معمولاً در تمام سال وسیع‌تر از حد مراجعات محلی است و ماهیگیرانی از دیگر نقاط نیز به این مراکز مراجعه می‌کنند. بدین سبب این صیدگاههای پررفت و آمد محلی به صورت بین دو حالت محلی و منطقه‌ای، با اعتباری بصورت صیدگاههای منطقه‌ای جلوه می‌کنند.

اهمیت صیدگاههای دریائی در هر دو گروه صیدگاههای محلی و منطقه‌ای در وجود مزارع و منابع ماهی است که خود به نوع و شرایط ساختی کف دریا، عمق آب، درجه حرارت، شوری و غلظت آب دریا، پراکنندگی عوامل و جوامع حیاتی بستگی دارد. مساله دسترسی به صیدگاه از حیث شرایط محلی کناره و ارتباط محل با خشکی و بخصوص آبادیهای مجاور نیز قابل توجه است. مساله پهلوگیری شناورهای کوچک و بزرگ، از قایق کوچک ماهیگیری یک نفره تا لنج بزرگ و امکان حرکت و رفت و آمد شناور بین ساحل و محل صیدگاه نیز در رونق و اهمیت صیدگاه و شکل‌گیری مراکز ماهی‌گیری نقشی دارد.

در نوار ساحلی مورد مطالعه، براساس عوامل طبیعی و سیاسی و اجتماعی و دریائی محل، به مرور زمان قسمتهائی از دریا در کناره یا در فواصل دور از ساحل بعنوان صیدگاههایی مشخص شده‌اند که هر یک به فراخور مقدار ممکن

سه بخش مشخص شناسائی شد که ملاحظات بعدی تقسیمات ثانوی در هر یک از بخشهای مزبور را ایجاب کرد. سرانجام از مجموع بررسیها، مکانهای مناسب و متعادل بنادر صیادی در محدوده مورد نظر با تقسیمات زیر تعیین و پیشنهاد شد:

- ۱ - بخش اول از بندر لنگه تا مغان
- ۲ - بخش دوم، از بندر مغان تا فاصله ده کیلومتری بعد از نخل تقی بطرف غرب
- ۳ - بخش سوم، از ده کیلومتری غرب نخل تقی تا محل بندر دیر

۶ - صیدگاههای مهم نوار ساحلی کنگ تا دیر

صیدگاهها عمدتاً به دو گروه محلی و منطقه‌ای تقسیم می‌شوند. صیدگاههای محلی در

